



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴ دی ۸۹

موضوع کلی: مسئله اول

مصادف با: ۲۹ محرم الحرام ۱۴۳۱

موضوع جزئی: بررسی ادله منع از احتیاط

جلسه: ۵۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

فرمایش آقای فاضل (ره) در اشکال به محقق نائینی ذکر شد و گفتیم که این فرمایش به نظر میرسد که فرمایش صحیحی است و اشکال ایشان به محقق نائینی وارد است. اما مرحوم محقق نائینی در ذیل کلامشان مطلبی داشتند که آقای خوئی به این مطلب هم جواب داده‌اند.

بخش دوم کلام مرحوم نائینی:

مرحوم نائینی فرمودند که اگر ما شک بکنیم در اینجا که آیا امتثال اجمالی، امتثال محسوب میشود یا نه؟ به عبارت دیگر اگر شک بکنیم با امتثال اجمالی تکلیف و امری که متوجه ما بود ساقط میشود یا خیر، قاعده اشتغال حکم میکند که بگوییم خیر یعنی چون تکلیف بر دوش ما ثابت شده و ما شک داریم با احتیاط این تکلیف برداشته میشود یا نمیشود و ما بری الذمه میشویم یا نمیشویم؟ در اینجا اصالة الإشتغال حکم به اشتغال ذمه میکند و حکم میکند اشتغال یقینی مستدعی فراغ یقینی است.

آنچه که مرحوم نائینی خودشان تصریح کرده‌اند این است که امتثال یعنی انبعاث ناشی از بعث و چون در امتثال اجمالی انبعاث ناشی از احتمال بعث میباشد، ما شک میکنیم. لذا ایشان فرمودند که لایعداً امتثالاً، فرضاً اگر شک کنیم که این امتثال هست یا نه یعنی در واقع شک داریم انبعاث و عمل و اتیان به دستور که ناشی از احتمال امر و بعث میباشد این آیا اتیان و اطاعت محسوب میشود یا نه؟ چون تکلیف برای ما مسلم است و میدانیم که یک تکلیفی داریم و شک داریم که با این امتثال به احتمالین تکلیف از دوش ما برداشته میشود یا نه، قاعده اشتغال میگوید که نه برداشته نشد. آنچه در فوائد الأصل خود ایشان بیان کرده‌اند، این است.

لکن بعضی از کلام محقق نائینی اینطور استفاده کرده‌اند که اگر ما شک بکنیم که آیا در اینجا امتثال محقق است یا نه، این برای این است که قصد وجه رعایت شده یا نشده؟

این درست نیست و اشتباه است چرا که در کلام خود محقق نائینی این مطلب نیامده، آن شکی که ایشان میگوید بخاطر این است که ما میدانیم که این عمل عبادی که داریم انجام میدهیم و احتیاط داریم میکنیم امر داریم یا نه؟ این انبعاث ناشی از احتمال بعث است پس قصد قربت نمیشود کرد و قصد امتثال امر در جایی است که شما بدانید امر دارید و چون در اینجا

نمیدانید که امر دارید نمیشود قصد امتثال امر کرد. ولی اینکه این شک از جهت اخلال به قصد وجه است باید بگوییم نه منظور محقق نائینی این نیست.

بهر حال محقق نائینی این فرمایش را فرمودند که اگر در این مقام ما شک بکنیم، قاعده اشتغال حکم به عدم اکتفاء به احتیاط میکند و میگوید که امتثال اجمالی کافی نیست و تا زمانی که میتوانید امتثال تفصیلی داشته باشید نوبت به امتثال اجمالی نمیرسد.

جواب مرحوم آقای خوئی:

مرحوم آقای خوئی به محقق نائینی در این بخش هم پاسخ داده‌اند و فرموده‌اند که بر فرض شک بکنیم که آیا با امتثال اجمالی امتثال محقق شده یا نه، مرجع ما اصل برائت است نه اشتغال. در توضیح این مطلب ایشان میفرماید که: ما اینجا در مفهوم عبادت که تردید نداریم، ما شک داریم در واقع عبادت یعنی شک داریم در آنچه که به سبب آن عمل متصف به عبادت میشود. پس شک ما به این برمیگردد که آیا شارع در متعلق امر انبعاث ناشی از بعث مع التمكن من العلم التفصیلی بالواجب را معتبر کرده یا اینکه شارع در متعلق امر یک معنای اعمی را معتبر کرده اعم از انبعاث ناشی از بعث و انبعاث ناشی از احتمال بعث. و این شک ما در واقع یک بخش آن قطعی است یعنی وقتی که ما احتیاط میکنیم ولو شک داریم انبعاث ناشی از احتمال بعث هم در متعلق امر معتبر شده یا نه؟ اما یک مسئله هست و آن اینکه ما وقتی که احتیاط میکنیم به جامع بین الإحتمالین یقین داریم یعنی اگر نماز ظهر و نماز جمعه، دو احتمال است و تردید داریم که در ظهر جمعه تکلیف ما نماز جمعه میباشد یا نماز ظهر؟ درست است که در اینجا احتمال است و انبعاث ما ناشی از احتمال بعث هست به یکی از دو احتمال، اما مسئله این است که یک چیزی برای ما متیقن است و آن اینکه بالاخره یک تکلیفی را جمعه باید عمل کنیم، اگر ما این دو محتمل را انجام میدهیم اتیان ما به این عمل به قصد امتثال آن تکلیف واقعی میباشد. این مسلم است حالا شک داریم باید آن تکلیف واقعی تفصیلاً معلوم باشد یا نباشد؟ نسبت به اعتبار علم تفصیلی در این مسئله برای امتثال، اصل برائت جای میکنیم. ببینید ایشان یک تنظیری هم میکند، میگوید ما نحن فیه مثل دوران بین تعیین و تخییر است و در موارد بین تعیین و تخییر شک داریم آیا یک تکلیفی تعییناً بر ما واجب شده یا تخییراً واجب شده، میگوید مبنای ما در دوران بین تعیین و تخییر برائت است. این همه فرمایش آقای خوئی بود که بیان کردیم.

بررسی کلام محقق نائینی:

در اینجا چند مسئله را باید بررسی کرد:

اصل فرمایش آقای خوئی و اشکال ایشان به مرحوم نائینی در بخش رجوع به قاعده اشتغال، آیا این درست است؟ آقای نائینی فرموده‌اند که اگر ما شک کنیم رجوع به قاعده اشتغال میکنیم ولی مرحوم آقای خوئی فرموده‌اند که نه ما رجوع به اصل برائت میکنیم، این حرف درست است و مورد از موارد رجوع به برائت است اما اینکه ایشان این مورد از موارد دوران بین تعیین و تخییر قرار داده‌اند، درست نیست. اصلاً مورد دوران بین تعیین و تخییر کجاست؟ و در کجا میگوییم موردی دوران بین تعیین و تخییر میباشد؟

دوران بین تعیین و تخییر مربوط به جایی است که ما نمیدانیم که آیا شارع عملی را معیناً بر ما تکلیف کرده یا اینکه به صورت تخییر بین این دو عمل بر ما تکلیف کرده است؟ که در اینجا عدهای قائل به تعیین شدهاند و عدهای قائل به تخییر. مثلاً فرض بفرمایید که ما اساساً نمیدانیم در کفارات روزه آیا از اول متعیناً روزه به عنوان کفاره بر ما واجب شده یا از اول ما را مخیر کردهاند بین روزه و اطعام مساکین، اگر امر دائر بین تعیین و تخییر بود طبیعتاً عدهای قائل به تعیین و عدهای قائل به تخییر هستند.

اما چرا اینجا از موارد دوران بین تعیین و تخییر نیست؟ چون در اینجا اصل تکلیف برای ما معلوم میباشد و میدانیم که یک تکلیف واجبی به گردن ما آمده است، حالا این وجوب یا به نماز جمعه متعلق شده یا به نماز ظهر. یعنی یقین داریم که تکلیف تعیینی است و مکلف به برای ما معلوم نیست که کدامیک میباشد. تردید در این نیست که از اول آیا مثلاً نماز جمعه بر ما واجب شده یا نماز ظهر و جمعه تخییراً، اینطور نیست بلکه میدانیم که یک تکلیف به گردن ما آمده و باید یک نماز در ظهر جمعه بخوانیم اما نمیدانیم که کدام است و این غیر از موارد دوران بین تعیین و تخییر است. لذا این فرمایش که ما نحن فیه را از موارد دوران بین تعیین و تخییر قرار دادند، درست نیست.

کلام مرحوم آقای حکیم:

آقای حکیم ما نحن فیه را از موارد دوران بین اقل و اکثر قرار دادهاند. همه بحث در شک است و از اصل بحث دور نشویم. در واقع اینجا سخن ما این بود که اگر شک بکنیم تکلیف چیست؟ قبل از شک مشکلی در اینجا نیست و احتیاط مشکلی ندارد. اگر شک بکنیم چه باید بکنیم؟ آقای حکیم میگویند که اگر شک بکنیم اصل برائت جاری میشود. چون مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر میباشد.

اجمال آن این است که میگویند اینجا در حقیقت یک قدر متیقنی وجود دارد، نسبت به زاید در قدر متیقن تردید داریم، در موارد دوران اقل و اکثر طبیعتاً نسبت به اکثر برائت جاری میشود. که تفصیل آن بیان خواهد شد فقط ایشان یک استدراکی دارند که میفرماید در یک صورت ما میتوانیم بگوییم از موارد دوران بین تعیین و تخییر است و در یک فرض میتوان این را گفت. بطور اجمال بیان کنیم بالاخره در موارد شک چه باید کرد؟ پاسخ درست به این دلیل و این فرمایش در این بخش این است که اینجا مجرای اصل برائت است و اگر شک کنیم جای اصل برائت است. برای اینکه وقتی ما احتیاط میکنیم و امثال اجمالی محقق میشود در ظهر جمعه هم نماز جمعه را میخوانیم و هم نماز ظهر، حاکم به اشتغال ذمه عقل بود، حاکم به برئ شدن ذمه هم عقل میباشد. عقل حکم میکند که این مکلف بواسطه یکی از این دو عمل برئ الذمه شده و میگوید که تکلیف به عملی شده بودی و کاری انجام دادی که در ضمن آن کار آن عمل مورد انتظار از تو هم واقع شد و برای عقل مهم نیست که با کدام از این دو عمل ذمه مکلف برئ شود و فقط به این نگاه میکند که یک چیزی از تو خواسته شده و تو در ضمن یکی از این دو کاری که انجام دادی آن را محقق کردی و دیگر کاری به کیفیت ندارد. لذا این فرمایش مرحوم نائینی که اینجا جای

اصل اشتغال است حرف درستی نیست و اقعاً جای براءت است و عقل ما حکم میکند به اینکه با اتیان به احتمالات آنچه که به گردن مکلف بوده از وی ساقط شده است. این پاسخی است که میتوان به آقای نائینی داد.

اشکال هفتم:

این اشکال را مرحوم آقای حکیم گفته‌اند. ایشان میفرمایند که سخن آقای نائینی این است که برای تحقق امتثال باید انبعاث ناشی از بعث باشد و در امتثال اجمالی چون انبعاث ناشی از احتمال بعث است لذا امتثال محقق نمیشود. آقای حکیم می فرمایند آنچه که در احتیاط و امتثال اجمالی وجود دارد این است که اگر هر یک از اطراف را انجام میدهد، هم نماز ظهر و هم نماز جمعه میخواند در واقع آنچه که داعویت برای انجام واجب دارد امر به فعل واجب است یعنی اگر از این مکلف سؤال شود چرا داری ظهر جمعه این عمل را انجام میدهی و هم نماز ظهر میخوانی و هم نماز جمعه و چرا داری احتیاط میکنی؟ پاسخ وی این است که میگوید من امر دارم در ظهر جمعه ولی چون نمیدانم که نماز ظهر است یا نماز جمعه هر دو را انجام میدهم. یعنی واقعاً انبعاث شخص محتاط ناشی از خود بعث است و احتمال در اینجا تأثیری ندارد. بله تردیدی که وجود دارد باعث میشود که دو تا عمل انجام دهد والا آنچه که داعی میباشد خود بعث است، امر واقعی به تکلیف است. اگر غیر از این بود این شخص به دو عمل اتیان نمیکرد. پس محرک اصلی برای شخص محتاط به جمع بین احتمالی و خواندن نماز ظهر و جمعه همان تکلیف واقعی میباشد و هیچ وقت احتمال برای او داعی نیست.

بعد ایشان یک نقضی را ذکر میکنند که اگر قرار بود احتمال بعث و امر داعی به انجام تکلیف باشد، لازمه آن این بود در جایی هم که علم و یقین به بعث و امر داریم، آنچه داعی بر انجام این عمل هست علم به بعث باشد نه خود بعث. به عبارت دیگر نقض مرحوم آقای حکیم نسبت به سخن آقای نائینی این است: شما میگویید در جایی که شخص احتیاط میکند و امتثال اجمالی میکند، محرک او برای این امتثال اجمالی احتمال است که ما میگوییم این نیست. اگر قرار بود محرک محتاط برای جمع بین دو عمل احتمال بعث باشد، پس باید در جایی هم که اصلاً مسئله احتیاط در کار نیست و یقین داریم که تکلیف چیست، در این موارد هم باید آنچه که محرک است یقین و علم به تکلیف باشد در حالی که شما میگویید محرک بعث است.

لذا ایشان میفرمایند که بطور کلی برای اینکه این مشکل پیش نیاید میگوییم که نه علم و نه احتمال هیچکدام داعی بر امتثال نیست و آنچه که داعی بر امتثال نسبت به فعل واجب است خود بعث است که در امتثال اجمالی وجود دارد. در امتثال اجمالی هم خود بعث هست و در امتثال تفصیلی هم بعث هست منتهی در یک جهتی تردیدی دارد که اشاره کردیم و گرنه اصل محرک و داعی خود بعث میباشد.

مرحوم آقای حکیم در ادامه میفرمایند که اگر شک پیدا شود که آیا با امتثال اجمالی، امتثال محقق میشود یا نه؟ این شک برمیگردد به اینکه آیا علم به امر و بعث در تحقق امتثال و اطاعت دخالت دارد یا نه، یعنی اگر کسی بخواهد ممتثل محسوب شود این حتماً باید علم داشته باشد به بعث تا در صدق و تحقق اطاعت دخیل باشد؟ پس اصل شک به آنجا برمیگردد. اگر

شک کردیم که علم در تحقق اطاعت مدخلیت دارد یا ندارد؟ در واقع اینجا شک در اعتبار اکثر است و مورد میشود از موارد دوران اقل و اکثر به این معنی که اصل عمل با تمام خصوصیات و جزئیات آن برای ما روشن است، حالا میخواهیم ببینیم که علاوه بر آن امور علم به بعث هم لازم است یا نه؟ مثلاً نماز یک اجزاء و شرایطی دارد و میخواهیم ببینیم که زاید بر اینکه در خارج میخواهیم این اعمال را انجام دهیم و اطاعت و امتثال و مؤمن از عقاب حاصل شود، آیا زائد بر اینها برای اینکه من یک انسان ممتثل و مطیع محسوب شوم علم من به بعث هم دخالت دارد یا ندارد؟ پس شک در اعتبار امر زائد داریم و این معنای دوران بین اقل و اکثر میباشد. در این موارد نسبت به قدر متیقن تکلیف معلوم و نسبت به اکثر و مقدار زائد برائت جاری می - شود و آنچه در آن شک داریم با اصل برائت میگوییم اعتبار ندارد. پس علم به بعث معتبر نیست و کسی که احتیاط و امتثال اجمالی کرد کافی میباشد و این نتیجه اجرای اصل برائت است. این فرمایش مرحوم حکیم است با توضیحی که ما بیان کردیم.^۱

بحث جلسه آینده: اشکالی مرحوم آقای آقای فاضل دارند در اینجا و به این اشکال هفتم که باید این را نقل کنیم و این شاء الله بررسی کنیم که آیا درست است یا نه؟

«والحمد لله رب العالمین»

۱. مستمسک، ج ۱، ص ۸.